تازه‌های کتاب

آخرین اثر چارلز دیکنز منتشر شد

داستان رمزآلود ادوین

انتشارات نیستان کتاب «راز ادوین درود» نوشته چارلز دیکنز را با ترجمه لیدا طرزی منتشر و روانه بازار نشر کرد. این کتاب، آخرین اثر ناتمام چارلز دیکنز، نویسنده سرشناس انگلیسی، است که سال ۱۸۷۰ شروع به نوشتن آن کرد، ولی درگذشت او در همین سال این اثر را به نوعی ناتمام باقی گذاشت. آن‌گونه که خبرگزاری تسنیم نوشته است، داستان «راز ادوین درود» در شهر کوچکی به نام کلسترهام و حول شخصیت ادوین درود، دایی‌اش جان جاسپر و دوستان و خانواده آن‌ها می‌چرخد. جاسپر، معلم موسیقی کلیسا و یک معتاد به افیون است که نقش محوری در داستان داشته و به رزا باد، نامزد ادوین و شاگرد خودش، علاقه‌مند است.

داستان اما با ناپدید شدن ادوین درود وارد رمزآلودگی و معمای اصلی خود می‌شود. ادوین به کجا رفته و چرا ردپایی از خود بر جای نگذاشته است؟ این اثر شخصیت‌هایی پیچیده و چندبعدی را پیش روی مخاطب ترسیم می‌کند. نویسنده با بهره‌گیری از نثر روان و توصیفات دقیق خود، محیط‌ها و شخصیت‌های متفاوتی را به تصویر می‌کشد و از همین رهگذر نیم‌نگاهی نیز به مسائل اجتماعی و اخلاقی زمانه خود دارد، از جمله اعتیاد به افیون و وضعیت زنان در جامعه انگلستان در ابتدای قرن نوزدهم.

کتاب «راز ادوین درود» به دلیل ناتمام ماندن نگارش در زمان حیات دیکنز، همواره در معرض بحث‌ها و تفسیرهای مختلفی بوده است، اما این اثر بیش از هر چیز نمایش دهنده استعداد و خلاقیت دیکنز در داستان‌نویسی رمزآلود و جنایی است. در سال‌های پس از مرگ نویسنده بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران تلاش کردند تا پایانی برای این اثر بنویسند که این رویداد نیز خود بخشی از جذابیت این رمان محسوب می‌شود و جایگاه ویژه‌ای در میان آثار این نویسنده به خود اختصاص داده است. البته همچنان به عنوان یکی از آثار مهم در ادبیات کلاسیک شناخته می‌شود.

معرفی کتابی تازه درباره مسئله‌ای کهن

مولانا و معمای جبر و اختیار

جبر و اختیار از موضوع‌های بغرنجی است که از روزگاران کهن، کنجکاوی آدمیان را جلب کرده و پیوسته، محل مناقشه و مجادله صاحب‌نظران گوناگون بوده است. شگفتا که طی قرون متمادی که به بشریت گذشته کمتر اندیشمندی توانسته است برای این مسئله پیچیده، پاسخی قطعی و پذیرفتنی بیابد و از این شب تاریک راهی به روز ببرد؛ تا آنجا که شاید بتوان گفت: انسان‌ها در نخستین ربع سده بیست ویکم، در مقام جواب‌گویی و رهایی به معضل جبر و اختیار، به تقریب، در همان مرحله و نقطه‌ای باقی مانده‌اند که هزاران سال قرار داشتند.

به گزارش ایلنا، احمد کتابی در کتاب «مولانا در برابر معمای جبر و اختیار»، نظرات مولانا در باب جبر و اختیار به تفصیل و با استناد به شواهد متعدد مستخرج از «مثنوی معنوی»، «فیه مافیه» و «دیوان شمس» را بررسی کرده است.

این کتاب شامل چهار بخش با عنوان‌های زیر است: رویکرد جبرگرایانه مولانا، رویکرد اختیارگرایانه مولانا و رویکرد میانه‌گرایانه (امر بین الامرین) مولانا و سرانجام نقد نظریات مولانا.

همچنین در بخش مقدمات کتاب دانشنامه توصیفی نسبتا مفصلی درباره اصطلاحات مربوط به جبر و اختیار همراه با اصطلاح‌شناسی انگلیسی-فارسی تنظیم و ارائه شد، که حاوی افزون بر هفتاد مدخل است.

احمد کتابی (متولد ۱۳۱۹ در اصفهان)، نویسنده و پژوهشگر در حوزه‌های علوم اجتماعی، اقتصاد، تاریخ، ادبیات و عضو هیئت علمی و استاد تمام پژوهشکده علوم اجتماعی است که مدرک دکتری خود را سال ۱۳۵۷، از دانشگاه تهران گرفت. جوایز علمی متعدد و نگارش کتاب‌ها و مقالات فراوان در کارنامه علمی او وجود دارد.

مولانا در برابر معمای جبر و اختیار
نویسنده: احمد کتابی
ناشر: مروارید، چاپ دوم
۱۴۰۲
۲۴۸ صفحه، ۱۶۰ هزار تومان

زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار

ناویراسته ✗

نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد در پی حمله پهپادی به نیروهای آمریکایی در شمال شرقی اردن نزدیک مرز سوریه و کشته شدن سه نظامی آمریکایی و مجروح شدن ۳۴ نفر دیگر اعلام کرد: ایران هیچ ارتباطی با این حملات ندارد.

ویراسته ✓

نمایندگی ایران در سازمان ملل متحد اعلام کرد: ایران هیچ ارتباطی با حملات پهپادی به نیروهای آمریکایی در شمال شرقی اردن ندارد. در پی این حملات سه نظامی آمریکایی کشته و ۳۴ نفر زخمی شدند.

نکته

به کوتاه کردن جمله‌ها عادت کنیم.

#زین_قند_پارسی

شاعران درباره «روبه زخم»، مجموعه شعر تازه زهرا گریزپا چه می‌گویند؟

ضیافت غمگین شاعری خراسانی

مریم محبی

گزارش خبری

سال ۸۷ «استکانی کنار بعدازظهر» را به شعر خراسان و شعر مشهد هدیه داد. مجموعه شعری که غزل‌ها و مثنوی‌هایش سرآمد بود و چند شعر سپید هم کنار آن‌ها نشسته بود. اما بعد از ۱۵ سال، با «رو به زخم» آمده و کلمه‌هایش را در صفحات سپید کنار هم چیده تا حرف‌هایش را با زبانی صمیمی و ساده با مخاطبانش تقسیم کند؛ «می‌خواهم کلمه را با تو قسمت کنم/ پهلویت بنشینم/ و در میان این همه گنجشک/ چیزی بگویم.» کتاب «رو به زخم» زهرا گریزپا را انتشارات «واج»، نشر تخصصی شعر و ادبیات، منتشر کرده است. کتابی که در یکی از معدود عصرهای سرد زمستان مشهد، محفل گرمی با چاشنی شعر و کلمه فراهم آورد و شاعران مشهدی چون سلمان نظافت یزدی، شهره شجیعی، حیدر کاسبی و عاطفه رنگ‌آمیز طوسی درباره آن سخن گفتند.

حیدر کاسبی

حرف‌های بی‌تکلفی که به شعر تبدیل می‌شود

موسیقایی بودن زبان، یکی از ویژگی‌های اشعار این کتاب است. شعرها به طور نامحسوسی از یک موسیقی درونی بهره‌مند هستند که فکر می‌کنم گریزپا این اتفاق را مدیون سال‌هایی است که شعر کلاسیک کار کرده است. این همان تفاوتی است که بین شاعران نوپرداز با سابقه شعر کلاسیک و شاعران نوپرداز بدون برخورداری از این سابقه وجود دارد. سروده‌های زهرا گریزپا همچنین از سادگی و سلامت زبان برخوردار است.

شاعر سعی می‌کند این احساس را به مخاطب ندهد که کیلومترها با او فاصله دارد. او صمیمیتی ملموس را ایجاد کرده تا جایی که گاهی اوقات فراموش می‌کند دارد شعر می‌گوید. اتفاقی که باعث می‌شود مخاطب ارتباط بهتری با اشعارش برقرار کند. گریزپا بدون اینکه از واژه‌های سخت و پیچیده استفاده کند و به شعر ایهام بدهد، در بستری از کلمات معمولی و به ساده‌ترین شکل ممکن حرف می‌زند، این حرف‌ها به شعر نزدیک و در نهایت به شعر تبدیل می‌شود.

پرداختن به مسئله زن، یکی دیگر از ویژگی‌های اشعار این کتاب است که هم می‌تواند یک ویژگی مثبت تلقی شود و هم یک ویژگی منفی. می‌تواند نقطه قوت باشد چون شاعر سعی می‌کند بیشتر خودش باشد به واسطه اینکه زن است و از سویی می‌تواند به واسطه تکرار بیش از اندازه، نقطه ضعف باشد.

شهره شجیعی

دنباله روی درونمایه غم

در کلیت، اشعار زهرا گریزپا از حیث عاطفه و خیال در جایگاه خوبی قرار دارد. ارتباط با مفاهیم آثار آسان است و شاعر به دنبال تعقیدهای لفظی و معنوی نیست. بازی‌های زبانی نیز کمتر دیده می‌شود. شاعر در انتقال مفاهیم به صورتی عمل می‌کند که تأخیر در معنا مشاهده نمی‌شود. سطربندی، آنجا که فضای شعر تغییر می‌کند به وسیله نویسنده انجام می‌شود و ارتباط بین بندها را فضای عاطفی و مضمون ایجاد می‌کند. آنجا که ارتباط بین اجزای اثر محکم‌تر است و وحدت ارگانیک وجود دارد، اشعار اوج می‌گیرد و مخاطب خاص را جذب می‌کند. مثلا در شعری که زخم به لانه پرنده تشبیه شده است (که به نظر من یکی از بهترین شعرهای مجموعه است)، از حیث تشابه می‌تواند تازه و بکر باشد و بعد زخم دره‌ای است در میان جنگل و سپس ناله‌ای که آن زخم دارد؛ ناله‌ای که صدای اره را به ذهن می‌آورد و دردی که از شاخه‌ای به شاخه دیگر می‌پرد. این بند شعر، زیبا و بلیغ مفهوم را می‌رساند و قدرت شاعر را در بیانی تازه نشان می‌دهد. اشعار گریزپا زبانی صمیمی دارد و مخاطب خاص و عام را اقناع می‌کند. آنجا که مفاهیمی عمیق را در شکلی ساده مطرح کرده و عنصر ایماژ در اغلب کارها برجسته‌تر از زبان است. شاعر درونمایه غم را در اشعار دنبال می‌کند. احساسی را روایت می‌کند و اغلب مخاطبی را در شعر در نظر دارد که با او سخن می‌گوید. آثاری که موفق و تأثیرگذار هستند.

عاطفه رنگ‌آمیز طوسی

در جست‌وجوی لحظه کنده شدن و شگفتی بی‌نهایت

چنان‌که در اشعار کلاسیک گریزپا هم مشاهده می‌شود، شاعر علاقه زیادی به روایت و واگویه‌های فردی دارد. من خود نیز از این قاعده مستثنی نیستم و به نظرم، این لذت بخش‌ترین قسمتی است که هر شاعر در شعرش برای خود لحاظ می‌کند؛ اینکه از تمام چیزهایی سخن بگوید که متأثر و متأسفش کرده یا دچار خوشحالی و شادی‌های سطحی یا پایدار. اما بعد دیگر ماجرا این است که من مخاطب تا کجا موظف هستم به این واگویه‌ها گوش بدهم و آیا سهمی هم برای من در نظر گرفته شده است یا نه؟ به اعتقاد من، این هدیه‌ای است که شاعر به مخاطب می‌دهد. ای کاش شاعر این حق را در جاهایی برای من مخاطب در نظر می‌گرفت؛ مثلا مونولوگ‌هایی که با خویش دارد را با ما شریک شود. فکر می‌کنم زاویه‌ای که شاعر این حرف‌ها را به خودش می‌زند تغییر نکرده و در نتیجه این تغییر موقعیت برای من مخاطب نیز لحاظ نشده است. من لحظه کنده شدن و شگفتی بی‌نهایت را احساس نمی‌کنم. شاید این اتفاق ذات اشعار این سن و این دوره باشد، اما با توجه به ظرفیت کلمه و دایره لغاتی که شاعر دارد، می‌تواند این نکته را در آثار و اشعار بعدی لحاظ کند. آخرین نظریه‌های ادبی از واکنش مخاطب می‌گوید و معتقد است شعری خوب است که بتواند خودش هم به متن چیزی را اضافه کند؛ به این معنا که خواننده با ما جرا آمیخته باشد. چون شاعر زیادی درگیر من خودش است، در همه اشعار این مجموعه ما شاهد این اتفاق نیستیم.

سلمان نظافت یزدی

انگار خلأ جنون احساس می‌شود

زهرا گریزپا بیش از دو دهه است که در عرصه شعر فعالیت می‌کند و قطعا اگر در جغرافیایی غیر از مشهد بود بیشتر دیده می‌شد؛ پایتخت نشینی مزایایی دارد که ما از آن محرومیم. همه این‌ها در حالی است که نام گریزپا به شعر مشهد و خراسان اعتبار می‌دهد.

«رو به زخم» تلاشی است برای بند آوردن خون با کلمات؛ شاعر اندوه را در سطرهای سپید به تصویر می‌کشد تا خود و محیطی که در آن زندگی می‌کند، ثبت کرده باشد. مگر وظیفه شاعر چیزی جز این است که آینه روزگار خودش با زبانی تازه و تصاویری تازه آغشته به شگردهای شاعرانه باشد. شاعر وقتی حال امروز را مطلوب نمی‌بیند، مگر چاره‌ای جز این دارد که به آلبوم‌های عکس قدیمی و آن حس‌های خوب کودکی پناه ببرد؟

گریزپا در این مجموعه زن را در هیئت‌های مختلفی شرح داده است، گاهی زنی ایلیاتی، گاهی مادری مضطرب، گاهی زنی در حال عبور از خیابان، گاهی زنی در آستانه نابودی و گاهی زنی است در هیئت معشوقی که سرسختانه نفس می‌کشد و نمی‌گذارد که حذف شود و شاعر آن زن را آن‌گونه می‌بیند: «با برف زمستانی آب می‌شوم/ از کوه پایین می‌ریزم/ به رودها می‌پیوندم/ و به شالیزار می‌روم/ دوشادوش زنان کار می‌کنم/ غروب/ در پیاله‌ای سفالین/ که عکس زنی بر آن نقاشی شده است/ عطشت را فرومی‌نشانم.» تصویرهایی که گریزپا از زن بودن خلق می‌کند تصویرهای متنوعی است. گاهی شاعر در موقعیتی دراماتیک و تلخ تاریخی می‌نویسد: «... گل آفتابگردان بودم/ رویم را از زیبایی برگرداندند/ به ساقه نازک پایم/ خلخالی بستند/ و در میان هلهله و هیاهو/ به حجله‌گاهم بردند.» و گاهی آن زن برگ‌های خشک شده گلدان را جدا می‌کند و دلخوش به دمنوش زعفران است.

در اشعار او ردپای یک من شخصی و من جمعی را نیز می‌بینیم؛ جاهایی از خود می‌گوید و جاهایی خود را در اجتماع فرض می‌کند و مشکلاتی را که به نظرش می‌رسد بیان می‌کند. در برخی از اشعار، از رنج‌های تحمیلی که به شاعر و هر شهروندی تحمیل می‌شود می‌گوید البته با ایهام و محافظه‌کارانه.

این مجموعه همان طور که از نامش پیداست؛ ضیافت غمگین شاعری خراسانی است که با اندوه و زعفران و رنج زیستن آشناست و همین رنج است که خون کلمات و شعرهای اوست. خون‌هایی که خشک شده‌اند و زخمی قدیمی را روایت می‌کنند و خون‌هایی که تازه‌اند و دارند کم‌کم شیار کلمات را پر می‌کنند، حتی اگر تنها باشد و تخیلش را کشته باشند شاعرانه به جلو خواهد رفت.

این اشعار همچنین خط سیر منظمی دارد و بیشتر آن‌ها از یک فضای یکسان برخوردار است، اما یک چیزی کم است؛ انگار خلأ جنون احساس می‌شود. شاعر جاهایی خودش را کنترل کرده و دارد خودسانسوری می‌کند و خودش را راحت بیان نکرده است. این در صورتی است که یکی از ویژگی‌های شعر معاصر همین است که آفریننده‌ها، خودشان را جزئی از فضای شعر می‌کنند و ما را غافلگیر.

معرفی رمان «غرور و تعصب» نوشته جین آستین

مسئله ازدواج از دیدگاه‌های مختلف

سه‌شنبه‌ها با کتاب

احمد آقایی
فعال فرهنگی

حتما شنیده‌اید که «کتاب بهترین دوست انسان است.» یکی از ویژگی‌های دوستان خوب این است که انسان، حین دوستی و معاشرت با آن‌ها و از طریق آن‌ها، با دوستان جدیدی نیز آشنا می‌شود. در واقع، یکی از کارهای پسندیده‌ای که بعضی از دوستان خوب و رفیقان نیک اندیش انجام می‌دهند و به عبارت دیگر، یکی از رسالت‌هایی که این‌گونه رفقا بر دوش خود احساس می‌کنند این است که انسان را با دوستان جدید و نویافته آشنا سازند. جالب است که کتاب‌های خوب نیز همین‌گونه‌اند. کتاب دل‌نشین «آدمی همان است که می‌خواند» (کتابی که چند ماه پیش و در قالب همین ستون به معرفی آن پرداختیم)، در صفحات ۴۱ تا ۴۵ خود، ضمن نقل گشایش (یا همان opening) رمان «غرور و تعصب» جین آستین و اشاره به سه صدای متفاوت قابل شنیده شدن در صفحه نخست این رمان کلاسیک (منتشرشده به سال ۱۸۱۳) که عبارت‌اند از صدای راوی، صدای پر شور و هیجان خانم بِنِت بی‌طاقت، و صدای از نظرِ عاطفی خنثای شوهر بی‌تفاوت او، کار پرداختن به صفحه نخست این رمان ۴۴۵ صفحه‌ای را با چنان لحن جذاب و گستره غبطه برانگیزی از دانش ادبی به انجام می‌رساند که انسان را به هوس می‌اندازد؛ هوس خواندن این رمان ماندگار و مسافرت ذهنی به آن ناحیه روستایی سرسبز اوایل قرن نوزدهم در انگلستان که محل زندگی خانواده بِنِت است با پنج دختر مجردشان، به ترتیب از بزرگ به کوچک، جین، الیزابت، مِری، کاترین و لیدیا؛ و رمان شرح ماجرای پر فراز و نشیب نامزدی و ازدواج و در واقع، کامیابی‌ها و ناکامی‌های دو دختر بزرگ‌تر و در کمال شگفتی، دختر ته تغاری خانواده، یعنی لیدیاست در مسیر تأهل.

نکته مهمی درباره ترجمه عنوان رمان وجود دارد که هم رضا رضایی، مترجم کتاب در مقدمه کتاب به آن اشاره کرده است و هم خواننده رمان، حین مطالعه داستان، خود متوجه آن خواهد شد. برابرنهاد فارسی واژه دومِ به‌کار رفته در عنوان، یعنی Prejudice که در زبان انگلیسی، با اضافه شدن پسوند pre به معنای پیش، به judice که با واژه judgment به معنای قضاوت و داوری هم ریشه است، ساخته می‌شود، چیزی نیست جز «پیش داوری». در واقع، جین آستین، به دفعات در رمان خود نشان می‌دهد که هم غرور بد است و هم پیش داوری. این دو صفت مذموم، همواره ناپسندند و در مورد خاص ازدواج و همسرگزینی که موضوع اصلی رمان است، ناپسندتر. اما مترجم اثر «ترجیح داده است که به سبب معروفیت و رواج عنوان «غرور و تعصب» (چه در کتاب‌ها و مقاله‌ها و نقدها، و چه در فیلم‌ها و سریال‌ها) همین عنوان را حفظ کند، و در عین حال، به نخستین مترجم فارسی این رمان (شمس الملوک مصاحب [خواهر غلامحسین مصاحب دانشنامه نویس و ریاضی‌دان] در سال ۱۳۳۶) و انتخاب او نیز احترام بگذارد. (ص ۸)»

جالب است که عبارت دو بخشی «غرور و تعصب [در اصل: پیش داوری]» که در زبانِ انگلیسی (pride and prejudice) دو واژه خوش‌آهنگ آغاز شده با دو حرف یکسان (یعنی pr) است، پیش از جین آستین و در قرن هجدهم میلادی، توسط چند نویسنده انگلیسی زبان به کار رفته است که فقط یکی از آن‌ها، ساموئل جانسون (۱۷۰۹-۱۷۸۴) است؛ او که سال ۱۷۵۵ میلادی و پس از هفت سال تلاش، نخستین فرهنگ لغات مدرن و جامع زبان انگلیسی را تدوین کرد؛ ۱۷۳ سال پیش از چاپ کامل فرهنگ لغات معروف آکسفورد. اما ظاهرا جین آستین، عنوان رمانش را از عبارت معروفی از رمان سِسیلیا (۱۷۸۲)، نوشته بانو فرانسیس برنی (۱۷۵۲-۱۸۴۰) الهام گرفته است. آنجا که دکتر لیستر ریشه تمامی بدبختی‌ها را همین «غرور و پیش داوری» می‌داند.

همان طور که گفتیم، موضوع اصلی رمان، «ازدواج» و مقدمات آن، و از همه مهم‌تر، ملاک‌ها و معیارهای گزینش همسر از نظر خود دختران و پسران مجرد و نیز از نظر پدران و مادران و در مواردی، حتی خواهران آن‌ها (مثلا درباره آقایان بینگلی و دارسی) است. در این میان، نویسنده با طراحی دقیق انواع و اقسام شخصیت‌ها و ویژگی‌های روان‌شناختی متفاوت (رمان حدود بیست شخصیت دارای کنش‌های داستانی و دیالوگ دارد) و از آن طرف، طراحی انواع روابط میان فردی، اعم از رابطه‌های سالم مبتنی بر اعتماد و راستی و همچنین روابط غیرقابل پیش‌بینی دروغ بنیاد، ما خوانندگان را به مهمانی بزرگ و مجللی از انسان‌های واقعی و باورپذیر دعوت می‌کند که هم نشینی با هر یک از آن‌ها، لطف خودش را داراست. در کنار این‌ها، رمان «غرور و تعصب»، مشابه بسیاری از رمان‌های کلاسیک و ماندگار تاریخ ادبیات، با اینکه داستانی متعلق به بیش از دو قرنِ پیش دارد، اما به دلیل پرداختن به مسائل اساسی انسان و دغدغه‌های ذاتی بشر، هیچ‌گاه کهنه نمی‌شود و در اصطلاح، «تاریخ مصرف» ندارد.

در پایان، اجازه دهید نوشته امروز را با این جملات درخشان از آقای دارسی مغرور و ثروتمند، خطاب به نامزدش الیزابت تمام کنیم؛ آنجا که پس از کش و قوس‌های فراوان، خطاب به او می‌گوید: «[تو] کاری کردی که فروتن بشوم. وقتی به نزدت آمدم فکر می‌کردم صددرصد می‌پذیری. تو به من نشان دادی که همه داشته‌های من برای رضایت زنی که ارزش خوشبختی را می‌داند کافی نیست. (ص ۴۲۲)»

غرور و تعصب
نویسنده: جین آستین
مترجم: رضا رضایی
نشر نی، چاپ بیست و چهارم ۱۳۹۷
۴۵۰ صفحه، ۲۸۰ هزار تومان